

حضرت امام رضا

۱۷۲

حضرت محمد تقی علیه السلام

۱۷۱

حضرت علی اکبر علیه السلام

۱۷۰

حضرت زین العابدین

۱۶۹

حضرت امام جعفر صادق

۱۶۸

حضرت امام موسی کاظم

۱۶۷

حضرت امام رضا علیه السلام

۱۶۶

حضرت امام محمد باقر

۱۶۵

حضرت امام جعفر صادق

۱۶۴

حضرت امام موسی کاظم

۱۶۳

حضرت امام رضا علیه السلام

۱۶۲

حضرت امام محمد باقر

۱۶۱

حضرت امام جعفر صادق

۱۶۰

حضرت امام موسی کاظم

۱۵۹

حضرت امام رضا علیه السلام

۱۵۸

حضرت امام محمد باقر

۱۵۷

حضرت امام جعفر صادق

۱۵۶

حضرت امام موسی کاظم

۱۵۵

فتح الرحمن

نوم

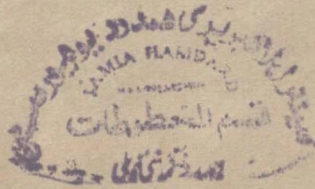
فراش بجه

از

س. ه. دلی النور



~~م. ه. دلی النور~~
س. ه. دلی النور



حمدنا محمد و خدا را بیک و تعالی که برافت تمام قتر از برای همه کسان خواند
مرضی اورا از نام مرضی باز نشناسند و از سکايد نفس و الهیات از المشی و غیره
خلاص شوند و بخاطر اقدس راه یابند و در کسب و کار خویش مرضی باز نشناسند
شود و اگر خود سیکری نفرمودی و منظور نبود که ازین ظلمات مکر که خلاصی بدست آید اگر خود نفرمودی
و تعالی قلیقال ما را احاطه کرده است وجود او ظاهر و باطن ما را و در کفر و فسق و گناه
حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت و این مصلحت ساخت و مصلحت ایشان را
آنهم آن فرمود پس هیچ بیانی نباشد و آنچه تیر از بیان آنحضرت و همه رحمتی نباشد
باز از رحمت آن حضرت نیک بخت ترین ما نیست که بتو است
آنحضرت صلی الله علیه و سلم کند و بدست ترین ما نیست که از راه متابعت من فرستد
و اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسله

[illegible]

در بیان و علی الله و الصحابه و سلم اما بعد نصیحت و نیکی خواهی مسلمانان و بهر زمان و در
 مکان یکی از دو اقتضای دیگر می نماید و لهذا علمای دین و کبرای اهل یقین در
 سیر حدیث عقاید و فقه و سلوک تصانیف مشهور ساخته اند و تالیفات
 که اکنون بر داخه طایفه شاه راه الطناب اختیار نموده اند و فرقه کوچ افتخار پیش
 فرقه جماعت زبان عجم سخن گفته و گروهی بلغت عرب در سفته و درین زمانه که ما درین
 قریب اقلیم که ما اکنون اینیم نصیحت مسلمانان اقتضایکند که ترجمه قرآن عظیم زبان
 فارسی پس از مدتی متداوله بی تکلف فضیلت نامی ربی تصحیح عبارت آری
 بهر آنکه در این کتاب و بغیر از او کچک است متشعبه ترجمه کرده شود تا خوانش و فهم همه
 بندگان فهم کند و صفار و کبار یک وضع در رک نمایند و لهذا این فقیر را داعیه این
 ترجمه بخاطر خدمت خوانده و کس آن شود و نزدیک چند در شخص ترجمه اقتاد تا هر کس
 به ترجمه بخیرانی که بخاطر نفر شده است مناسب باید و ترویج آن گوشه و کیف مالکن
 پیش از عصر غروب نماید و بعضی تطویل عمل یافت و در بعضی تفصیل محل و هر یک از این
 آن نیز آن مقتضای لازم غرض تالیف ترجمه دیگر بمصمم شد و تسویه ترجمه از این ترجمه
 کار آمد بعد از آن سفر خرین اتفاق افتاده و آن سلسله انهم گسست بعد از آنکه
 به ترجمه پیش این فقیر خواندن قرآن فارجه آن شروع نموده اینصورت سلسله

Y 254
~~PLH~~

چنان آن غم شد و بر سر آن آورد که بقدر تواندن بجا بماند و نشد و نشد
 قریب ثلث قرآن کسیده شد آن عزیز را سفری پیش آمد و آن کمر بر دوش نهاد
 و دو بعد متی باز قریبی پیدا شد و دیگر بار خطره پارسه را یاد آورد و با دو ملت تکرار
 کشیده بود چون ملاکثر حکم الکمل مقرر است بعضی را این گفته است که آن کس
 بیض کند و آن ترجمه را مقرون بایات قرآن نویسد و نسیم مستقیماً باین
 معنی میگوید و در سوره الفصحی ستمین بعد الالف و الایته در بیض شروع نمود و چون
 بیض یافت تسبیح کسید باز غم را انتفاشی پیدا آمد و تا آخر قرآن کسید و در میان
 ختم التفسیر فی اوایل شعبان و ختم التبیض فی اوایل رمضان کسید و در سوره
 بعد از آن در سوره ستمین با تمام بر آورد یعنی غریز القدر و حاج محمد امین را کسید
 الله تعالی بشهود آن کتاب را حاجی پیدا شد و در حین مدرک انداختن و بیض نمود
 کشت و اهل عصر آن اقبال نمودند **شماره** الحیر که آن نقش که خال غریبی است
 تا آخر پس برجه تقدیر بر وزن و قبل از شروع در مقصود لابد است تا در سوره
 تا خوض درین کتاب خصوصاً در فنی ترجمه قرآن عموم بر وجهیست واقع شود
مقدمه در بیان مقصدی چند که تقدیم کن بر کتاب کسم قدیم مصنفان است این
 کتاب از قرن ترجمه قرآن عظیم است و اول نظم عربی را به عبارت خلیفه اولی و کسید